

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
The Status of the River Valleys of Tehran as the Most
Important Natural Edges of the City in the High-Level
Document (Comprehensive plan) of the City
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

جایگاه روددره‌های تهران به عنوان مهم‌ترین لبه‌های طبیعی شهر در سند بالادستی (طرح جامع) شهر*

نسیم زهرایی پور^{۱*}، رضا جعفرپور^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین-پیشوا، ایران.
۲. پژوهشگر دکتری معماری دانشگاه آزاد تهران غرب، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین-پیشوا، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۰۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۲۹

چکیده

بیان مسئله: ارتباط مستقیم شهر و طبیعت منجر به ظهور لبه‌هایی طبیعی در شهر می‌شود. مسئله این پژوهش، با مطالعه سند بالادستی مدیریتی شهر تهران، یافتن جایگاه روددره‌های شهر تهران به عنوان مهم‌ترین لبه‌های طبیعی در این شهر است. این مطالعه و نقد وضع موجود با رجوع به مطالعات انجام‌شده درباره این لبه‌ها در حوزه منظر صورت گرفته است. همچنین با نگاهی به اسنادی که به‌نحوی حضور لبه‌هایی طبیعی در آنها موضوعیت داشته‌اند، سعی در مطالعه نوع نگاه آن اسناد به این عناصر منظر شهری داشته است.

هدف پژوهش: این مطالعه با در نظر گرفتن این مواضع به عنوان لبه‌های طبیعی به دنبال شناخت و بررسی جایگاه آنها در اسناد و ضوابط شهری تهران است.

روش پژوهش: این پژوهش با روش کیفی و تحلیل محتوای اسناد به‌دست‌آمده به روش مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. این مطالعات در حوزه مبانی نظری، اسناد و نمونه طرح‌های خارجی صورت گرفته است.

نتیجه‌گیری: در سطح کلان مقایسه نگاه موجود به روددره‌های شهر تهران به عنوان مهم‌ترین لبه‌های طبیعی در شهر با مبانی علم منظر و همچنین بررسی نمونه‌هایی از لبه‌های شهری در اسناد توسعه‌ای در مقیاس‌های مختلف بیانگر عدم توجه به ابعاد فرهنگی یا هویتی لبه‌های طبیعی و زیبایی‌شناسانه روددره‌های شهر تهران در سند طرح جامع شهر است. در ذیل این دو بعد، مسائلی چون مشارکت عمومی و توجه به ذهنیت شهروندان از روددره‌ها در بعد فرهنگی، و موضوعاتی مانند توجه به نقش کریدور دید بودن آنها و چشم‌اندازهای مربوط به این لبه‌های طبیعی در جنبه زیبایی‌شناسی، مباحث مطرح‌شده در اسناد خارجی است که قابل بارگزاری بر لبه‌های طبیعی در شهر تهران نیز است. در سطح میانی و عملیاتی نیز این مطالعه نشان‌دهنده نگاه شعاری و منقطع در مقیاس‌های پایین دست به روددره‌ها به عنوان پهنه‌های سبز وسیع و اثرگذار است. تحلیل محتوایی و رجوع به مبانی شکل‌گیری طرح‌هایی چون طرح جامع نشان می‌دهد با چنان مبانی فکری و فلسفی‌ای، جایگاه قائل شده برای لبه‌های طبیعی در شهر امری ناگزیر و برآمده از تفکر مدرنیستی آن دوران است.

واژگان کلیدی: لبه‌های طبیعی، اسناد بالادست شهری، منظر، روددره‌های تهران، طرح جامع تهران.

مقدمه

توجه و مطالعه علوم نوظهوری چون منظر درباره تعامل شهر و طبیعت ابعاد موضوع را از حیطه مسائل زیست‌محیطی فراتر برده و دید افراد را به طبیعت در شهر وسیع‌تر کرده است. یکی از عرصه‌های ظهور تعامل شهر با طبیعت نحوه برخورد لبه‌های طبیعی با شهر و لبه‌های مصنوعی آن است.

این مقاله با معرفی روددره‌های تهران به عنوان مهم‌ترین لبه‌های طبیعی در این شهر، به دنبال آن است تا پس از

طرح موضوعات زیست‌محیطی لزوم توجه بیشتر به قرار گرفتن شهر در بستری طبیعی را پررنگ‌تر کرده است. علاوه بر این،

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد «نسیم زهرایی پور» با عنوان «تأثیر لبه‌های طبیعی در معماری؛ طراحی کانون آرامش محله در لبه طبیعی روددره دریند» است که به راهنمایی دکتر «رضا جعفرپور» در ۱۳۹۸ در «دانشکده علوم پایه، گروه معماری» دانشگاه «آزاد اسلامی، واحد پیشوا-ورامین» ارائه شده است.
** نویسنده مسئول: ۰۹۳۶۵۱۴۰۴۰۱، nasimzahraeipoor65@gmail.com

علم منظر، نشان می‌دهند که انسان در تعامل با طبیعت به مرور جنبه‌هایی ذهنی برای آن متصور می‌شود که زیست او را در کنار طبیعت معنادار می‌کند. «لبه‌های شهری از عناصر اصلی معرفی شهر در ذهن مخاطب و به وجود آورنده منظر شهری است که به عنوان نشانه نقش مهمی در تبیین هویت شهر دارد» (یاراحمدی، ۱۳۸۹).

مسئله‌ای که این پژوهش به دنبال آن است چگونگی برخورد با لبه‌های طبیعی در اسناد بالادستی شهر تهران است. اهمیت کالبدی-زیست‌محیطی-هویتی این لبه‌ها که در علوم پیشرو، مانند منظر، برای عناصر طبیعی در شهر قائل شده است این مسئله را مطرح می‌کند که آیا جایگاه مهم‌ترین لبه‌های طبیعی تهران یعنی رودرها در اسناد بالادستی به عنوان یک عنصر منظر شهری درست است؟ مهم‌ترین سند بالادستی در تهران طرح جامع شهر است که این مطالعه به تدقیق نقش رودرهای شهر تهران در آن می‌پردازد. این مسئله با نگاهی به تجارب جهانی و بر مبنای تعاریف و مبانی علم منظر به دنبال پاسخ به این سؤالات است که:

۱. آیا رودرهای شهر تهران جایگاه واقعی خود را در اسناد بالادستی و طرح‌های مربوط به آن دارد؟
۲. رودرهای تهران، به عنوان عناصر منظر شهر تهران، کدامیک از نقش‌های خود را در منظر شهر بازی می‌کنند؟

روش تحقیق

روش تحقیق بر مبنای مطالعات و مطالب گردآوری شده و برای نیل به هدف تحقیق از نوع کیفی است. از طرفی با توجه به استخراج پژوهش از پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری، که در راستای کمک به روند طراحی معماری موضوع مورد نظر بوده است، از نوع کاربردی خواهد بود. روش گردآوری اطلاعات مبتنی بر نیازهای اطلاعاتی پژوهش در مرحله تحقیق در باب مبانی نظری و تئوریک تحقیق، مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و در مرحله شناسایی مواضع و وجوه طبیعی شهر، برداشت میدانی و مشاهدات پژوهشگر خواهد بود.

پیشینه پژوهش

ادبیات تحقیق پیش رو را می‌توان در چند بخش کلی دسته‌بندی و در هر دسته به پیشینه مطالعات انجام‌شده اشاره کرد. گروه اول تحقیقات انجام‌شده در رابطه با ارتباط شهر و طبیعت تحت عنوان شهرهای طبیعت‌گرا، شهرسازی طبیعت‌گرا یا طبیعت‌گرایی در شهر است. در این زمینه کوخایی و مثنوی (۱۳۹۳) در مقاله «طراحی محیطی زیرساخت‌های اکولوژیک منظر شهری با استفاده از اصل پیوستگی با انشعابات (AWOP) به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهری، مطالعه موردی: منطقه دو شهرداری تهران» و حبیبی اردبیلی، مثنوی

تبیین ضرورت پرداختن به این عرصه‌های تعاملی بین شهر و طبیعت، به جایگاه آنها در اسناد بالادستی توسعه شهری در تهران بپردازد. برای مطالعه مصداق نحوه برخورد با نمونه‌هایی از لبه‌های طبیعی در شهر، اسنادی از سایر شهرهای جهان نیز مطالعه شده و با رجوع به مباحث منظر مطابقت داده شده است.

فرضیه

رودرهای شهر تهران به عنوان مهم‌ترین لبه‌های طبیعی در شهر و یکی از عناصر منظر شهر، در مهم‌ترین سند بالادستی شهر (طرح جامع) از بین سه نقش عملکردی، هویتی و زیبایی‌شناسانه خود، تنها با نقش عملکردی دیده شده‌اند. خاستگاه مدرنیستی و مبنای فکری برآمده از آن سبب شده این طرح تنها در مقیاس‌های بالاتر نگاهی همه‌جانبه به آنها داشته و در مقیاس‌های پایین‌تر دچار جزءنگری باشد و فقط به بعد عملکردی بپردازد.

بیان مسئله

از ابتدای شکل‌گیری هر شهر، طبیعت آن جزئی از تصویر ذهنی شهروندان و تاریخ و هویت آن شهر محسوب می‌شود، تا جایی که برخی از متخصصان شهر را محصول نگاه انسان به طبیعت می‌دانند: «شهر قبل از اینکه کالبدی فیزیکی و بی‌جان باشد، محل زیست انسان است؛ تجلی‌گاه اصول و ارزش‌های فرهنگی و مورد باور انسان است و نمایشی از نحوه نگرش انسانی به طبیعت است» (نقی‌زاده، ۱۳۸۵، ۵۸). امروزه با گسترش یک‌باره شهر و عدم اهمیت و ارزش عناصر طبیعی، جلوه‌های طبیعت در شهر محو شده، روبه‌زوال گذاشته است. «در حال حاضر هیچ‌گونه توازن یا تعادلی بین شبکه‌های شهری و الگوهای طبیعی مشاهده نمی‌شود و شبکه‌های شهری در حال مسلط‌شدن بر شبکه‌های اکولوژیکی آسیب‌پذیرند (Cook & Vanlier, 1994) به نقل از کوخایی و مثنوی، ۱۳۹۳». طرح‌های توسعه شهری نتوانسته‌اند در میان سوداگری معماری به پاسخ و سیاست درست و پایداری برای حضور طبیعت در شهر برسند و «همواره هنگام بحث در خصوص ساختار و عناصر هویت‌بخش منظر شهری، تنها عناصر مصنوع شهر مورد تأکید قرار می‌گیرند» (قوام‌پور، ۱۳۹۴ به نقل از ملکی و سعیدی، ۱۳۹۴). این روند که همچنان در بسیاری از شهرها جریان دارد، منجر به حذف عناصر و مناظر طبیعی مانند لبه‌های طبیعی موجود در شهرها شده است. لبه‌های طبیعی یکی از انواع لبه‌های شهری و جایی است که گسترش شهری به طبیعت می‌رسد. این لبه‌ها شامل کوه، دره، رودخانه، دریا، تپه‌ماهور، جنگل و غیره است. لبه‌های طبیعی ارزش‌های مختلفی برای هر شهر دارند که فقط به جنبه‌های طبیعی آنها بر نمی‌گردد. علوم محیطی جدید مانند

و ملک محمدی (۱۳۹۶) در «تدوین استراتژی‌های ساماندهی و طراحی اکولوژیک رودخانه‌های درون‌شهری با تأکید بر کنترل سیلاب، مطالعه موردی: روددره زیارت گرگان» به موضوع طراحی اکولوژیک در شهر با تأکید بر رودخانه‌های شهری پرداخته‌اند.

گروه دوم که نتیجه مطالعات در زمینه پرداختن به لبه‌های طبیعی در شهر است، بیشتر در حوزه منظر و منظر شهری انجام گرفته‌اند. یاراحمدی (۱۳۸۹) در مقاله «لبه‌های شهری، بررسی نقش لبه‌ها در تحقق اهداف منظر» به صورتی عام‌تر به موضوع پرداخته و با مطالعه موردی شهر تهران، عدم انطباق ساختار طبیعی و تاریخی با ساختار شهری لبه‌های طبیعی تهران و نقش لبه‌ها در ایجاد خوانایی شهری را مطرح کرده است. همچنین رستگاری (۱۳۸۹) در مقاله «دزفول ساحل دارد؛ بررسی ظرفیت‌های منظرین رود دز» و زندی (۱۳۹۴) در مقاله «نقش باغ درون‌شهری در شکل‌گیری قرارگاه‌های رفتاری، نمونه موردی: شهر تهران» به صورتی خاص‌تر به دو نوع متفاوت لبه‌های طبیعی در شهر اشاره دارند. اما آل‌هاشمی (۱۳۹۳) مشخصاً در مقاله «دالان دید، عنصر هویت‌بخش منظر، مدیریت دالان‌های دید» به روددره‌های تهران می‌پردازد. مطالعات او به وجه بصری این لبه‌های طبیعی می‌پردازد، اما توجه به نقش هویت‌سازی آنها موضوعی نو و قابل تأمل است.

در پژوهشی دیگر کریمی مشاور (۱۳۹۲) به توان روددره‌های تهران در اسناد توسعه شهری می‌پردازد و دو نتیجه عمده را به‌دست می‌آورد: نخست، توجه سطحی و حداقلی اسناد شهری به این مؤلفه‌ها و دوم، ارائه دو پیشنهاد برای ایجاد محور انسانی و توجه به ظرفیت‌های روددره‌ها در طرح‌های ساماندهی.

آنچه با ذکر پیشینه تحقیق و در تبیین وجه نوآوری مقاله قابل توجه است در مقایسه با مطالعه انجام‌شده توسط کریمی مشاور است. می‌توان گفت این پژوهش در تکمیل آن مطالعات سعی دارد علاوه بر تحلیل محتوایی و مبنایی به صورت کلی و از دید شهرسازانه، بر اساس مبانی نظری منظر، به نقد و تحلیل دقیق‌تر رویکرد سند طرح جامع نیز بپردازد. علاوه بر این در این مقاله با نگاهی به اسناد شهرهایی که نمونه‌هایی از لبه‌های طبیعی در آنها حضور دارد نحوه توجه به این لبه‌ها در قالب نگاه منظر مطالعه شده است.

لبه‌های طبیعی در شهر

لبه‌های طبیعی در شهر، طبق تعریف این پژوهش، بخش‌هایی از طبیعت است که با توسعه شهر احاطه شده و در حد فاصل شهر و قسمت طبیعی برجای مانده شکل گرفته‌اند. بنابراین این لبه‌ها اساس و بنیانی طبیعی و بکر دارند و فضاهای سبزی که در مراحل بعدی ساخت شهر به صورت دست‌ساز و مصنوع

ایجاد شده‌اند مشمول این تعریف نمی‌شوند. «لبه شهری طبیعی نتیجه انطباق لبه شهری و عوارض طبیعی است» (عسکرزاده و شکوهی بیدهندی، ۱۳۹۵). جایگاه لبه‌های طبیعی در شهر به‌خودی‌خود اهمیت آنها را برای تبیین جایگاه آنها در اسناد فرادستی شهر نشان می‌دهد. «با توجه به نقش لبه‌ها در هویت منظرین شهر، لازم است یک سیاست کلی در مدیریت آنها حاکم باشد» (یاراحمدی، ۱۳۸۹). چندجانبه‌نگریستن به این عناصر شهری در مدیریت آنهاست که منتج به پاسخی پایدار خواهد شد، «برنامه‌ریزی برای ساحل رودخانه یک شهر و مدیریت اتفاقات منظرین سایت در صورتی که از ابعاد مختلف نقش رودخانه در شهر (ابعاد زیست‌محیطی، ابعاد حسی و بصری و ...) از یک‌سو و همچنین تاریخی که بر بستر منظر ساحل در شهر گذشته است و نقشی که در اذهان مردم شهر دارد از سوی دیگر صورت نپذیرد، امری بی‌حاصل خواهد بود» (رستگاری، ۱۳۸۹).

روددره‌های شهر تهران، مهم‌ترین لبه‌های طبیعی شهر
با تعاریف فوق و رویکردی که مقاله برای پرداختن به موضوع دارد، لبه‌های طبیعی در شهر تهران شناسایی شده است. می‌توان لبه‌های طبیعی اصلی در شهر تهران را به دو گونه امتداد رشته‌کوه‌های البرز در شمال شهر و روددره‌های تهران در داخل شهر تقسیم کرد.

مطالعه مؤلفه‌های طبیعی در شهر تهران سه عنصر کلان و اصلی را در شهر مشخص می‌کند. روددره‌ها، دامنه کوه‌های طبیعی در شمال و جنوب و تپه‌های چهارگانه‌ای که در امتداد خطی شرقی-غربی در نیمه شمالی شهر کشیده شده‌اند سه عنصر اصلی طبیعی در شهر تهران هستند که در تعامل با سایر عناصر شهری قرار گرفته‌اند (تصویر ۱).

برای مطالعه لبه‌های طبیعی داخل شهر تهران می‌توان روددره‌های شهر تهران را، که ناشی از عبور چند رودخانه اصلی از درون شهر هستند، مهم‌ترین عامل در جهت ایجاد لبه‌های طبیعی به شمار آورد. دوازده رودخانه اصلی در واقع اصلی‌ترین لبه‌های طبیعی داخل شهر تهران را به خود اختصاص داده‌اند. این لبه‌ها، که به صورت خطی و در امتداد رودخانه‌های دوازده‌گانه درون شهر تهران تشکیل شده‌اند، امروزه تعریف مشخصی به عنوان لبه‌های طبیعی ندارند. یکی از دلایل نبود تعریف برای این لبه‌ها را می‌توان رویکرد مدیریتی به شهر و عدم قرارگیری این عناصر در زاویه دید مدیران شهری دانست که نقشی برای آنها در روند توسعه و مدیریت شهر قائل نیست. این روند به همین ترتیب موجب نادیده انگاشتن طرح‌های شهری و روبه‌افول گذاشتن این عناصر در شهر می‌شود تا جایی که آنها اساساً بخشی از شهر دیده نشده و رو به تخریب و محوشدن در شهر می‌روند.

• ابعاد فرهنگی

پیشینه و نقش فرهنگی یک فضا یا مؤلفه فضایی عموماً به تاریخ و هویت آن برمی گردد. به همین دلیل، شناخت پیشینه حضور رودرها در زندگی شهروندان تهرانی بخشی از شناخت ابعاد فرهنگی آنهاست. مرجان زندی در پژوهشی ضمن پرداختن به جایگاه تاریخی و فرهنگی عناصر طبیعی در شهر، رودرهای چون تجریش در کنار امامزاده صالح و دربند در کنار امامزاده قاسم را به عنوان قرارگاه‌های رفتاری معرفی می کند و به نقش این لبه‌های طبیعی در تعریف این قرارگاه‌ها اشاره می کند و این دو رودره را از مهم‌ترین عناصر ایجاد قرارگاه‌های رفتاری شهروندان تهرانی معرفی می کند (زندی، ۱۳۹۴). همچنین در مقاله دیگری می نویسد: «ویژگی باغ‌های درون‌شهری ریزدانه این است که در هماهنگی کامل با مورفولوژی شهر تهران متأثر از پنج رودره مهم و الگوهای سلسله‌مراتبی ساختاری و رفتاری تعریف شده بنا به محل قرارگیری در ارتفاعات متفاوت رودره به پارادایم‌های فرهنگی یک جامعه ایرانی-اسلامی شکل داده‌اند» (زندی، ۱۳۹۳). این مطالعات نشان از ریشه عمیق فرهنگی و هویتی رودرها در شهر تهران دارد.

اما نکته مهم در فهم هویت عناصر طبیعی در شهر تشخیص این هویت است. «نخستین گام در راه تشخیص هویت، امکان بازشناسی پدیده بر اساس شباهت‌های آن با پدیده‌های هم‌سنخ و تفاوت‌هایش با پدیده‌های غیرهم‌سنخ در ذهن است. بر این اساس فرایند بازشناسی، در حقیقت بر پایه تشابه درون‌دسته‌ای و تمایز میان‌دسته‌ای شکل می گیرد و این تشابه و تمایز تمام ویژگی‌های ظاهری، عملکردی و معنایی پدیده را شامل می‌شود. حال اگر در فرایند تغییر، فاکتورهای بازشناسی یک پدیده در یک سطح خاص از آن گرفته شوند، هویت‌مند بودن آن به شدت زیر سؤال می‌رود. این مسئله در ارتباط با اندام‌های طبیعی نمود بسیاری دارد» (یوسفی نجف‌آبادی، ۱۳۹۵). چراکه اندام‌های طبیعی در محیط شهری به شدت متأثر و ناگزیر از تغییرات فراوان هستند.

جدول ۱. تعریف ابعاد منظر شهری از محققان مختلف. مأخذ: کریمی مشاور، سجادزاده و وحدت، ۱۳۹۳.

محقق	ابعاد منظر شهری
کوبین لینچ، ۱۳۷۶	ادارکی - فیزیک - عملکردی
منصوری، ۱۳۸۷ کریمی مشاور، ۱۳۸۹	زیبایی‌شناسی - عملکردی - هویتی
عبدالله خان گرجی، ۱۳۸۵	بصری - کالبدی - فضایی - فعالیتی - هویتی - محیطی
محمودی، ۱۳۸۵	پایداری - هویت - زیبایی - وحدت



تصویر ۱. دوازده رودره اصلی شهر تهران که از دامنه‌های البرز جنوبی سرچشمه گرفته‌اند و موقعیت شهر تهران در ارتباط با کوه‌های اطراف. مأخذ: نگارندگان.

لبه‌های طبیعی در منظر شهری

چگونگی برخورد با لبه‌های طبیعی در شهر تهران و وارد کردن آنها در روند تصمیم‌گیری برای منظر شهری مستلزم شناخت نقش آنها در منظر شهری است. در تعریفی از منظر شهری می‌خوانیم «منظر شهری فهم شهروندان از شهر است که به‌واسطه ادراک نمادهای آن (ابعاد کالبدی شهر) و تداعی معانی مرتبط با آنها (ابعاد ذهنی و خاطرهای) صورت می‌گیرد. اهداف سه‌گانه منظر شهری، ۱. زیباشناختی ۲. فرهنگی-هویتی ۳. عملکردی است» (کریمی مشاور، منصوری و ادیبی، ۱۳۸۹). کریمی مشاور، سجادزاده و وحدت (۱۳۹۳) تعاریف دیگر منظر شهری و دسته‌بندی ابعاد مختلف آن را در سه وجه کالبدی-فیزیکی، زیباشناختی و هویتی-مکانی بیان می‌کنند (جدول ۱). با رجوع به این منابع ابعاد منظر شهر یا اهداف مداخلات منظر در شهر را می‌توان در این سه حوزه مطالعه کرد. بالتبع «مدیریت منظر لبه‌های شهری نیز همچون سایر مداخلات منظر سه هدف فرهنگی، عملکردی و زیبایی‌شناسانه را در بر می‌گیرد» (یاراحمدی، ۱۳۸۹). بنابراین می‌توان شناخت منظرین لبه‌های طبیعی شهر را نیز در این سه حوزه انجام داد.

• ابعاد عملکردی

یقیناً اولین وجه عملکردی عناصر طبیعی در شهر اثرات زیست‌محیطی آنهاست. «رودخانه‌ها به عنوان مجاری طبیعی، برای جمع‌آوری و انتقال بارش‌های جوی که در سطح کرهٔ خاکی جریان می‌یابند، همواره از گذشته‌های دور مورد توجه جوامع انسانی بوده‌اند و تمدن‌های کوچک و بزرگ در کنار این پدیده‌های حیات‌بخش طبیعی ظهور و امتداد یافته‌اند» (حبیبی اردبیلی، مثنوی و ملک‌محمدی، ۱۳۹۶). همچنین نمی‌توان از اثرات زیرساختی آنها در تقویت فضای سبز شهری غافل ماند، «عناصر طبیعی چون روددره‌ها و مسیل‌ها، شبکهٔ دسترسی‌ها به منزلهٔ کریدورهای جریان هوا و گسل‌ها و خطوط فشار قوی به منزلهٔ پتانسیل‌هایی برای ایجاد کریدورهای سبز در منطقه در رشد و توسعهٔ پایدار شهر و احیای محیط زیست شهری، همچنین ایجاد شبکهٔ زیرساخت‌های اکولوژیک، اهمیت غیرقابل‌جایگزینی در این منطقه دارند» (کوخایی و مثنوی، ۱۳۹۳). بیان نقش زیرساختی طبیعی این عناصر از طرف متخصصان بیانگر اهمیت زیست‌محیطی و عملکردی آنهاست.

• ابعاد زیبایی‌شناسانه

ابعاد زیبایی‌شناسانهٔ این عناصر شهری بیشتر به نقش آنها به عنوان کریدورهای دید و ارائهٔ مناظر شهری زیبا برمی‌گردد. همواره یکی از نقش‌های مهم کریدورهای دید در مطالعات دید و منظر ایجاد تصاویری در ذهن شهروندان است که ادراک شهر را برای آنها میسر می‌کند. به عبارت دیگر بخشی از زیبایی‌شناسی شهری، که مربوط به تصاویر ذهنی شهر در ذهن شهروندان است، از طریق کریدورهای دید به دست می‌آید که عناصری چون روددره‌ها و مسیل‌های شهری یکی از مهم‌ترین بسترها برای شکل‌گیری آنهاست. «... در بزرگراه‌های جدید شمالی-جنوبی به واسطهٔ هماهنگی و انطباق با روددره‌های هفت‌گانهٔ تهران و توپوگرافی طبیعی شهر، به صورت طبیعی دالان‌های دید به سمت قلّهٔ توجال و ارتفاعات شمال شهر شکل گرفته است» (آل‌هاشمی، ۱۳۹۳). علاوه بر این حضور عناصری جزءتر در این کریدورهای دید خود وجهی زیباشناسانه به آنها می‌دهد «برای مثال، تداعی حاصل از درخت شاخص منطقهٔ فرحزاد - درخت توت - سبب تشدید حس لذت و درک زیبایی منظر لبهٔ روددرهٔ فرحزاد در لبهٔ بزرگراه یادگار امام در ذهن شهروندان خواهد شد» (پاراحمدی، ۱۳۸۹).

روش انجام پژوهش

این پژوهش بر اساس روش کیفی و تحلیل‌هایی غیر کمی انجام شده است. در حوزهٔ نظری مطالعات کتابخانه‌ای و پژوهش‌های متأخر بررسی شده‌اند، در زمینهٔ اسناد بالادستی توسعهٔ شهری تهران و خارج از کشور به مطالعهٔ اسنادی و ترجمهٔ مدارک

موجود پرداخته شده است. در بخش بحث نیز نتیجهٔ تحلیل محتوای سند بالادستی شهر تهران با اصول مستخرج از مبانی نظری منظر و نیز سیاست‌های اسناد خارجی مطالعه‌شده منطبق شده و به نتیجه‌گیری انجامیده است.

جایگاه لبه‌های طبیعی در اسناد بالادستی شهری (تهران)

با فهم مشترکی از لبه‌های طبیعی در شهر تهران و ارائهٔ نمونه‌های موجود در آن، می‌توان ردپایی که از آنها در اسناد شهری برجای مانده یا نمانده است را جست‌وجو کرد. رویکرد کلی مدیریت شهری تا دوره‌های اخیر اصولاً به شهر به عنوان عنصری انسان‌ساخت می‌نگریست که به مؤلفه‌های طبیعی موجود در آن یا به عنوان عناصری زائد نگاه می‌کرد یا تنها وجه عملکردی و زیست‌محیطی آن را مد نظر داشت. حال آن‌که مؤلفه‌هایی چون لبه‌های طبیعی در شهر پتانسیل‌های مختلفی داشته و دارند که در طول تاریخ و در تعامل شهروندان با محیطشان ایجاد شده است. در نگاه علم منظر، این مؤلفه‌ها با سه نقش هویتی، زیبایی‌شناسی و خوانایی (که نوعی عملکرد است) در شهر اثرگذارند (همان). در اسناد و ضوابط شهرسازی موجود در ایران نیز همین رویکرد غالب جریان داشته است، تا دوره‌های اخیر که اندکی از نگاه اولیه فاصله گرفته است.

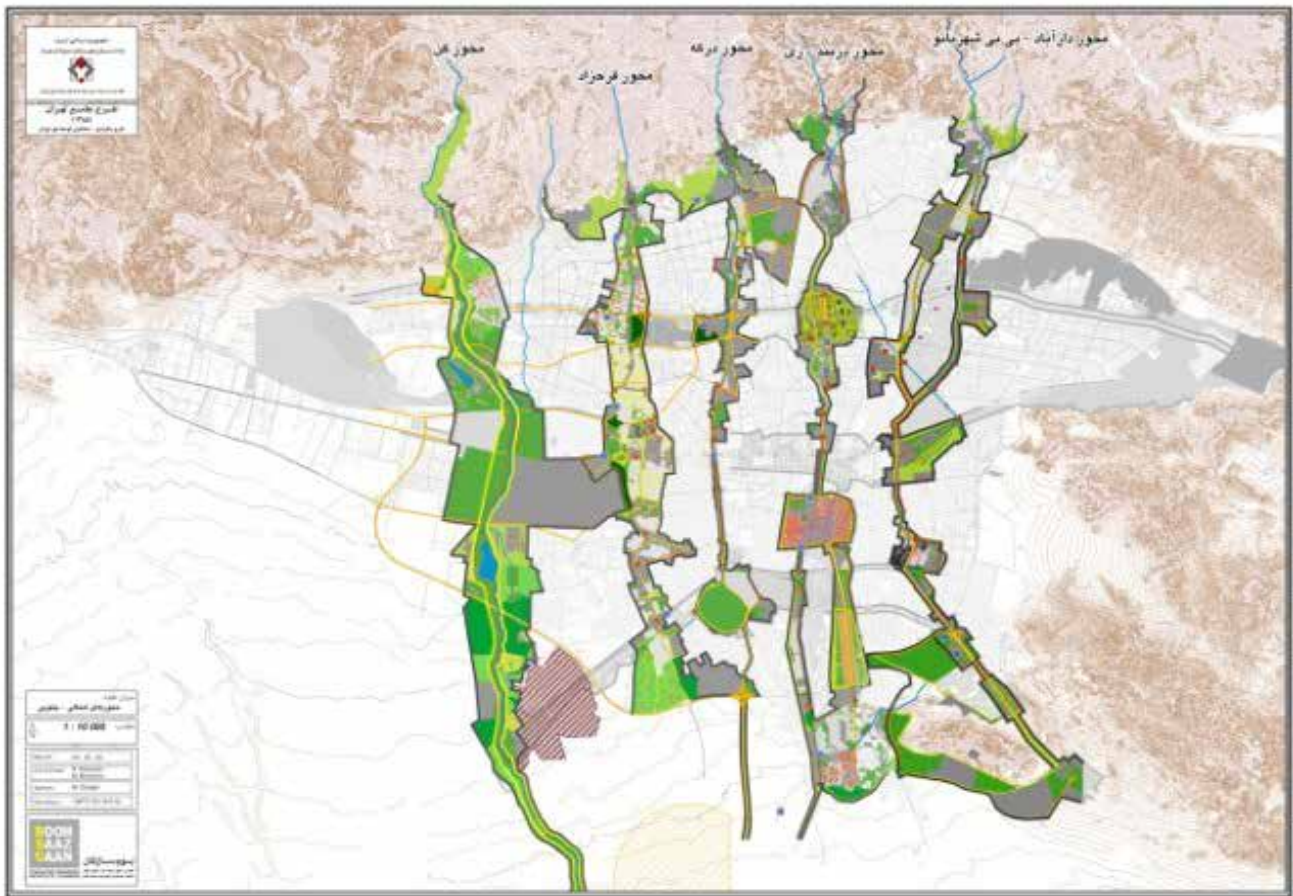
مطالعات انجام‌شده بر روی اسناد بالادستی شهر تهران و استخراج نحوهٔ پرداختن آنها به روددره‌های تهران نشان از تغییری در نوع نگاه به این لبه‌های شهری است:

«شهر تهران تاکنون دارای سه طرح جامع بوده ... در طرح‌های جامع مصوب سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۶۹، روددره‌ها بیشتر به عنوان ابزاری برای کنترل سیلاب‌ها تلقی شده‌اند. در طرح جامع مصوب سال ۱۳۸۶ این نگاه به روددره‌ها تا حد زیادی تغییر می‌کند و روددره‌ها علاوه بر کنترل سیلاب‌ها، دارای ظرفیت ایجاد فضاهای تفریحی نیز می‌شوند» (کریمی مشاور، ۱۳۹۲). نگاه ابزاری به روددره‌ها در طرح جامع اول تهران، خود پایه و اساس بسیاری از طرح‌ها و اقدامات بعدی بود و زمینهٔ کانالیزه کردن و پوشاندن مسیل‌ها و رودها را در طرح دفع آب‌های سطحی تهران (۱۳۵۳) مهیا کرد. بنیان فکری حاکم بر این طرح در طرح‌های تهیه شده در سال‌های ۱۳۷۰ و طرح استراتژیک شهرداری تهران (۱۳۷۴) ادامه داشت. اما در طرح جامع تهران (۱۳۸۵) هم‌گام با تغییرات جهانی در توجه به ارزش‌های طبیعی و فرهنگی درون شهرها، روددره‌های تهران نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شدند. در مقیاس کلان «ایدهٔ اولیهٔ توسعهٔ فضایی و کالبدی تهران بر اساس ساختاری غیرمتمرکز و چنداندازی مبتنی بر الگویی شبکه‌ای از محورها و سلسله‌مراتبی از مراکز ارائه شد که محورها و شبکه‌های اصلی این طرح منطبق بر

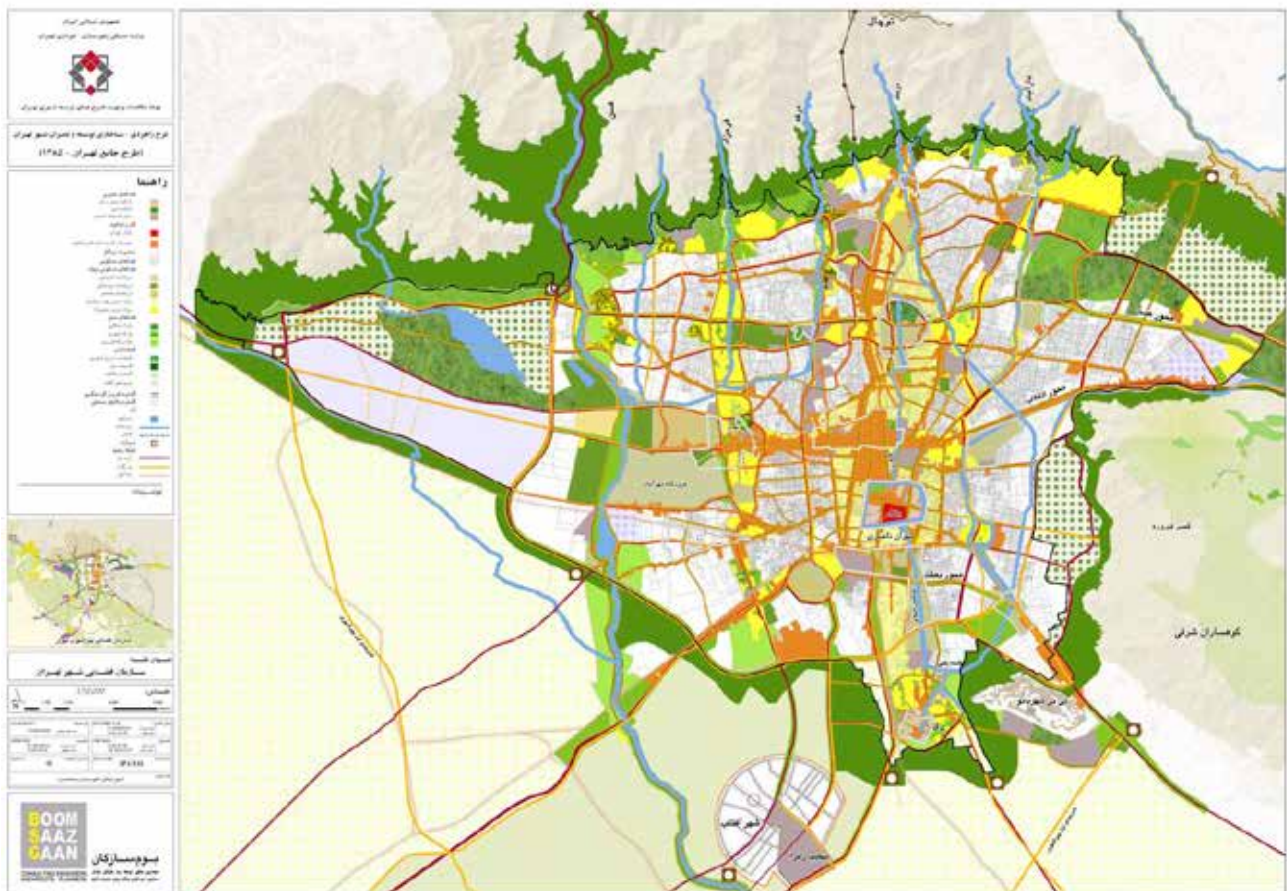
بالادستی انجام داده است می گوید: «مروری بر طرح‌های جامع، موضوعی و موضعی در ارتباط با روددره‌های سطح تهران نشان از توجه سطحی و حداقلی به این مؤلفه‌ها دارد. این در صورتی است که شرایط ویژه طبیعی و جغرافیایی شهر تهران در طول تاریخ همواره نقش‌هایی حیاتی و چندوجهی را به روددره‌های شهر تهران داده است که توجه و درک تمام ابعاد وجودی حضور این مؤلفه‌های طبیعی گام نخست در برنامه‌ریزی و مدیریت آنها در شهر است» (کریمی مشاور، ۱۳۹۲). در بررسی گزاره‌ای که از گزارش مهندسین مشاور بوم سازگار در بالا اشاره شد و نحوه مواجهه با روددره‌ها در این ساختار چنداندازی می‌توان به مطالعه و تحلیل نقشه‌های مختلف طرح جامع تهران پرداخت.

در تحلیل نقشه‌های اصلی طرح جامع و بررسی جایگاه روددره‌های شهر تهران دو نقد اساسی به این جایگاه وجود دارد. نخست در یک نگاه سلسله‌مراتبی بین نقشه‌های اصلی این طرح است. در مقیاس بالاتر و نقشه سازمان فضایی پیشنهادی این طرح چنانکه در تصاویر ۲ و ۳ مشخص است محدوده اطراف و خود روددره‌های شهر به صورت نواحی بزرگ و

مسیل‌های طبیعی شمالی-جنوبی تهران شکل گرفته است» (مهندسین مشاور بوم‌سازگان، ۱۳۸۵، الف: ۳۲ و ۳۳) و «در مقیاس‌های میانی و خرد، روددره‌ها به عنوان پهنه‌های تفرجی و گردشگری و مؤلفه‌های هویت‌بخش مورد توجه قرار گرفتند» (آل‌هاشمی، باقری و اخوان، ۱۳۹۴). هرچند در مبانی ایده توسعه شهر تهران نیز، استفاده از دامنه‌های البرز به عنوان حد شمالی سکونت و فعالیت و محور پیوسته تفرجگاهی و استفاده از روددره‌های شمالی-جنوبی شهر تهران به منظور تمرکززدایی از مرکز و تراکم عملکردهای غیرمسکونی در پهنه محوره‌های پیوسته شمالی-جنوبی و تعدیل فرایند قطبی‌شدن شمال-جنوب تهران با توزیع و استقرار عملکردهای عمومی در حاشیه روددره‌ها و ایجاد تجهیز مراکز شهری، پراکنش و مقیاس‌های متفاوت ذکر شده (مهندسین مشاور بوم‌سازگان، ۱۳۸۵)، اما در بیان همین مطلب نیز ابهاماتی در نحوه برخورد جامع با آنها با بار عملکردی غالب دیده می‌شود و در ادبیات این ایده نیز مسائل هویتی، فرهنگی یا زیباشناسانه جایگاهی ندارند. کریمی مشاور در جمع‌بندی مطالعاتی که بر روی اسناد



تصویر ۲. شبکه محوره‌های شریانی شمالی-جنوبی در سازمان فضایی شهر تهران. مأخذ: شورای عالی معماری و شهرسازی ایران، ۱۳۸۶.



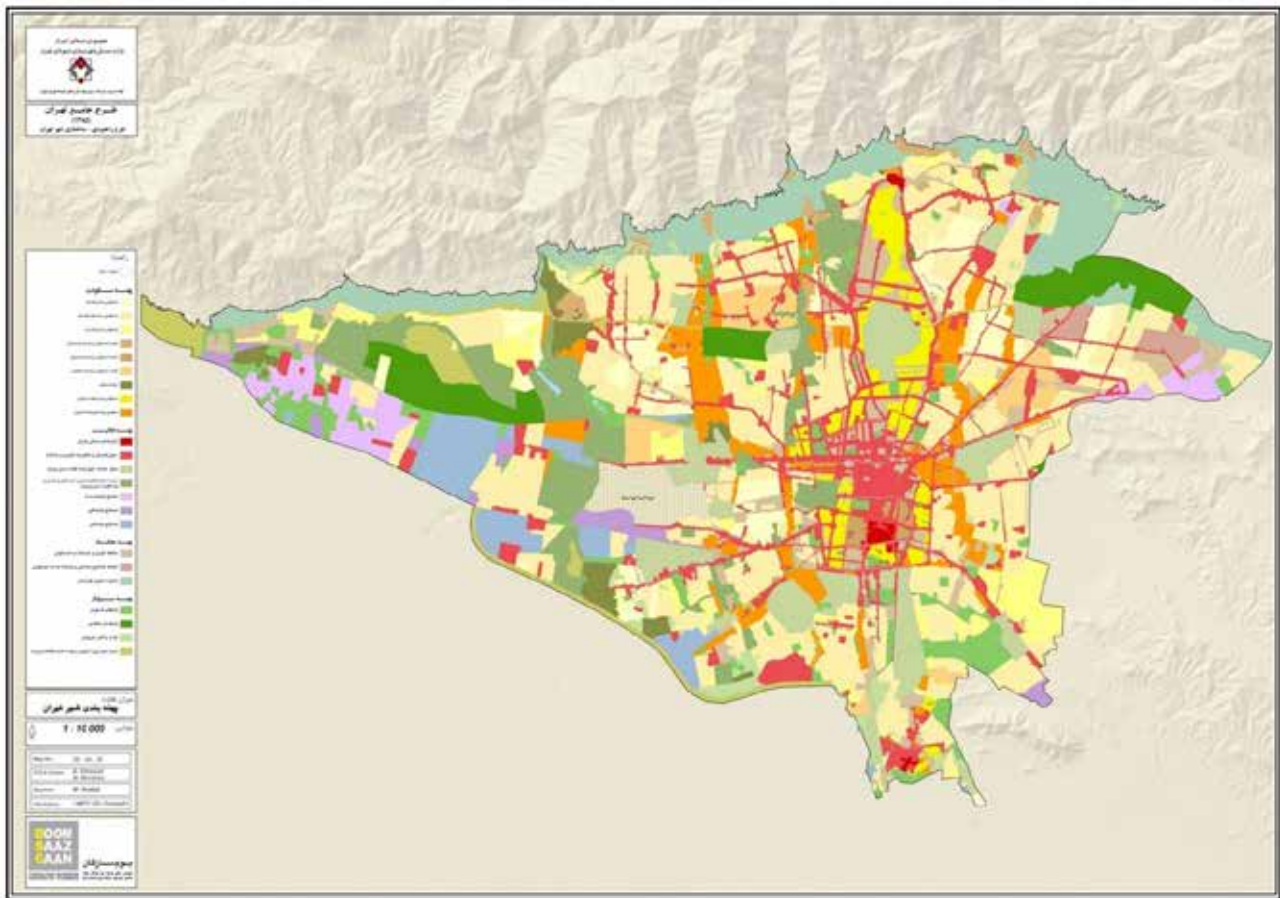
تصویر ۳. نقشه سازمان فضایی پیشنهادی شهر تهران. مأخذ: شورای عالی معماری و شهرسازی ایران، ۱۳۸۶.

جامع البته در مراتب بعدی طرح‌های شهری نیز دیده می‌شود و نگاهی گذرا به طرح‌های مصوب تفصیلی در مناطقی با پتانسیل حضور رودرها نشان از هرچه کم‌رنگ شدن ایده اولیه این شریان‌های حیاتی در شهر است؛ امری که تا رسیدن به مرحله عملیاتی تقریباً به‌طور کامل رنگ باخته و تنها شعاری از آن باقی مانده است. این سیر تطور در نهایت به پیشنهاد طرح موضعی-موضوعی در پیوست شماره ۴ سند طرح جامع ختم می‌شود که به معنای حواله‌دادن موضوع به تصمیم‌گیری‌های بعدی است.

اما نگاهی مبنایی به این سند بالادستی می‌تواند دلیل این مسیر شکلی و مدیریتی را روشن کند. با مرور این مسیر و رجوع به مبنای فکری حاکم بر طرح جامع به عنوان ابزار اصلی مدیریت کلان شهری می‌توان بنیانی مدرنیستی که این طرح و مانند آن در دوره معاصر از آن متولد شده‌اند را علت اصلی این نگاه ناقص به رودرهای تهران دانست. مروری تاریخی بر چگونگی شکل‌گیری ایده این طرح‌ها نیز از این موضوع حکایت دارد: «نظریه مربوط به طرح جامع تهران به صورت خطی (طولی) از پیشنهاد ثریاماتا برای شهر مادرید در سال

عریض سبز در نظر گرفته شده‌اند. چنانکه راهنمای نقشه نشان می‌دهد، این گرافیک در نقشه سازمان فضایی شهر تهران ناظر بر انواع فضاهای سبز و در نواحی شمالی تر کوهسارها و کمربند سبز شهر است. این محورهای شمالی-جنوبی «پیونددهنده» که از آنها «به‌مثابه شریان‌های حیاتی که نقش بااهمیتی در سازمان فضایی شهر دارند» تعبیر شده است، در وهله اول و تصمیم‌گیری کلان‌مقیاس، اهمیت محوری بسیاری در سازمان فضایی و اتصال سایر عناصر شهری دارند.

اما مسیر و تصمیم در نظر گرفته شده برای این محورها که برخی رودرهای شهر تهران، و نه همه آنها، را شامل می‌شود در مقیاس بعدی تصمیم‌گیری متفاوت می‌شود. در نقشه ۱:۱۰۰۰۰ رویکرد اولیه، و می‌توان گفت، شعار اولیه بر طرح حاکم نیست (تصویر ۴). نگاهی اجمالی و تنها گرافیکی به این نقشه نشان از انحراف مسیر تصمیم‌گیری از هدف نخست دارد. خط عریض سبزرنگ حواشی رودرها تبدیل به خطی نازک‌تر شده و گاه دیده نمی‌شود. در مقابل این پهنه، محورهای کار و فعالیت (تجاری و خدمات) است که خودنمایی می‌کند. این فاصله بین دو نقشه سازمان فضایی و پهنه‌بندی در طرح



تصویر ۴. نقشه پهنه‌بندی پیشنهادی طرح جامع شهر تهران. مأخذ: شورای عالی معماری و شهرسازی ایران، ۱۳۸۶.

مقدم و فتحی، ۱۳۹۲). در چنین چارچوب فکری‌ای، همه ابعاد دیگر شهر و شهرنشینی تحت تأثیر یا فدای توجه به ابعاد عملکردی و کالبدی خواهند شد، چنانچه نقد پست‌مدرنیستی این طرح‌ها نشان می‌دهد: «برنامه‌ریزی شهری مدرنیستی در دو سطح قابل بررسی است: سطح اول مشکلات فیزیکی و اجتماعی در شهر مدرن مانند نابرابری، تکه‌تکه شدن شهر و بیگانگی حک شده بر سیما و چهره شهرهای مدرن. سطح دوم و بالاتر از بحران در شناخت شهرها، ارزش‌های زندگی شهری و هویت شهری است که از یک سو با گذشته سنتی و تاریخی خود گسسته‌اند و از سوی دیگر، به نتایج قابل قبولی دست نیافته‌اند» (Besteliu & Doevendans, 1994 به نقل از پژوهان، الیاس‌زاده مقدم و فتحی، ۱۳۹۲). این موضوع نیز در مطالعاتی که با رویکرد رجوع به گذشته شهرها به بررسی اتفاقات دوران مدرن پرداخته‌اند مورد توجه بوده است: «این طرح‌ها با برنامه‌ریزی گسترش شهر بر مبنای رشد کمی جمعیت نسبت به الگوهای اقتصادی و اجتماعی و تفاوت‌های فرهنگی بی‌توجه و بی‌تفاوت ماندند» (زمانی و شمس، ۱۳۹۳) و هم در نگاهی بنیادین: «به دلیل تأکید

۱۲۶۱ ش. / ۱۸۸۲ م. و پروژه تونی گارنیه برای شهر صنعتی و بافت مجدد لندن پس از جنگ جهانی دوم، نشئت و ریشه یافته بود. پس از طرح جامع تهران، لرد لولین دیویس، طراح شهرهای واشینگتن، و میلتن کنیس در بریتانیا با الگوی شبکه خیابان‌ها، یک طرح مرکزیت خطی-اداری برای تهران طراحی و پیشنهاد کرد» (مدنی‌پور، ۱۳۸۱، ۳۴۰). «حاصل تفکرات مدرنیست‌های شهرساز از جمله پاتریک گرس و لوئیز ممفورد که از طریق منشور آتن تحت عنوان شهرسازی مدرن در سال ۱۹۳۳ فراگیر شد، محصولی به نام طرح جامع شهری بود ... که از جمله خصوصیات آن تا حد زیادی تغییرناپذیری آن است و اندیشه طراحی آن هندسی کالبدی است و به عبارتی تأکید بیش از حد بر خصوصیات کالبدی-فیزیکی دارد» (پارسی‌پور و ضیاء توانا، ۱۳۹۲). نوع نگاه مدرنیستی نیز به عناصر طبیعی همچون زمین، آن هم در شهر امری بدیهی است: «در دیدگاه مدرنیست، زمین (یا به طور کلی طبیعت) به خودی خود ارزشی ندارد، مگر اینکه منبعی برای سودمندی انسان باشد. از این رو یکی از جنبه‌های کلیدی مدرنیسم، تفکر "غلبه بر طبیعت به منظور تولید یک ثروت یا کالا" است» (پژوهان، الیاس‌زاده

مدرنیسم بر مادی‌گری در عرصه‌های معماری و شهرسازی، جنبه‌های مادی و اقتصادی، هدف اصلی طرح‌های برنامه ریزی شهری قرار می‌گیرد و به همین خاطر ساختمان‌سازی در دستور کار اصلی شهرسازی قرار می‌گیرد و مقیاس ارگانیک انسان و نیازهای اجتماعی-فرهنگی او فراموش می‌گردد» (نقی‌زاده، ۱۳۷۸، ۸۵).

مطالعه تجارب جهانی

مطالعه طرح‌های منتخب از سایر کشورها در این مقاله نه صرفاً برای یک مقایسه کامل بلکه در راستای بررسی دیدگاه این طرح‌ها نسبت به موضوع لبه‌های طبیعی بوده است. همچنین این مطالعه محدود به نوع لبه‌های طبیعی غالب در تهران - که رودخانه‌های شهر در نظر گرفته شده است - نیز نیست، بلکه رویکرد این طرح‌ها در سند نخست به حد فاصل شهر و طبیعت، در چارچوب مدیریت دیدهای شهر لندن به یک رودخانه مرکزی شهر و در طرح راهبردی شهر جده به لبه ساحل شهر بوده که به عنوان لبه‌های طبیعی موجود در این طرح‌ها بررسی شده است.

• سند منظر شهر کیوتو

این سند که به شناخت، مطالعه و در نهایت ارائه پیشنهادهایی برای توسعه شهر و منظر کیوتو می‌پردازد، در چهار بخش تنظیم شده است. در بخش اول با عنوان «شناخت منظر کیوتو» اجزای منظر شهر شناسایی شده‌اند. در بخش شهری این شناخت، موقعیت جغرافیایی، آب و هوا، توپوگرافی، پهنه‌های تاریخی، تغییرات در طول زمان، صنایع، درآمد روزانه مردم، فرهنگ و سنت، معماری و خیابان‌ها بررسی شده‌اند که نشان‌دهنده جامعیت نگاه این طرح به موضوع منظر و منظر شهری است. چنانکه در این بخش مشاهده می‌شود، یکی از وجوه شناخت منظر در ارتباط با طبیعت اطراف، که شامل کوه‌ها و دامنه‌های آنهاست، شناسایی «نواحی مرزی» است که می‌توان از آن تحت عنوان «لبه طبیعی» نام برد. در توصیف این نواحی آورده شده: «این منطقه با رشد جمعیت و توسعه شهر در لبه کوه و تحت عنوان پروژه توسعه مسکن و اصلاح زمین، که مستلزم جای‌دادن بیش از یک میلیون نفر در سال ۱۹۳۱ بوده، به شهر اضافه شده است. این پروژه سیاست ساخت منازل مسکونی ویلایی تک‌واحد با کیفیت بالا در این منطقه مشخص کرده است و مانع از شلوغی یا آسیب‌رسیدن به چشم‌اندازهای سبز طبیعی شده است» (Kadokawa, 2010). در تشریح هر بخش از این مرز رویکرد حفظ چشم‌اندازها و زیرساخت‌های طبیعی موجود که در تلاقی با شهر قرار گرفته است مشاهده می‌شود.

اما در ابتدای بخش سوم به عنوان سیاست کلی سند آمده است: «مدیریت شهری کیوتو باید رابطه بین ساختمان‌ها

و محدوده‌های کوهی اطراف آن را در نظر بگیرد، زیرا شهر در یک حوضه قرار دارد. با در نظر داشتن این موضوع، یک سیاست اساسی در ارتفاع ساختمان مشخص شده است: در بخش‌های تجاری و مرکزی، ارتفاع ساختمان‌ها بیشتر از سایر نقاط است و به تدریج به سمت پایین کوه‌ها کاهش می‌یابد» (ibid.).

دیگرام‌های فصل پایانی در کنار سایر ضوابط و راهبردهای ارائه‌شده در این سند مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده ضابطه ارتفاعی شهر را لبه طبیعی دامنه کوه‌های شمالی شهر قرار داده است. بخش چهارم سند، که بیشتر به جنبه‌های مدیریتی طرح می‌پردازد، با تکیه بر ذهنیت شهروندان و مشارکت و هویت جمعی آنها برای کنترل منظر شکل گرفته است.

• طرح راهبردی لندن (چارچوب مدیریت مناظر شهری لندن)

این سند، به عنوان یکی از اسناد پشتیبان (موضوعی) طرح راهبردی شهر لندن، تدوین چارچوب مدیریت مناظر شهری لندن را از طریق دسته‌بندی دیدهای مهم و مناظر استراتژیک شهر به چهار دسته دیدهای «پانورامیک گسترده»، «دیدهای رودخانه»، «مناظر شهری» و «مناظر خطی» انجام می‌دهد (Greater London Authority, 2010).

چنانکه در این دسته‌بندی دیده می‌شود، یکی از چهار دسته مهم این مناظر، دیدهایی است از یک لبه طبیعی در شهر. رودخانه تایمز، که از میان شهر می‌گذرد، به عنوان مهم‌ترین عنصر طبیعی در شهر، بیشترین تعداد از این مناظر را به خود اختصاص داده است. در این سند در توضیح اهمیت این دیدها می‌خوانیم: «دیدهای رودخانه تایمز و عناصر منظر آن تصاویر کلیدی لندن را به دست داده، هویت شهر را تقویت می‌کنند. چراکه این دیدها در سراسر لبه رودخانه و از یک پل به پل دیگر نماینده پایتخت و دربرگیرنده بسیاری از ساختمان‌های نمادین شهر هستند» (ibid.). اهمیت حضور یک لبه طبیعی در شهر و مدیریت دیدهایی که از آن به شهر وجود دارد مهم‌ترین بخش از توجه این سند نسبت به لبه طبیعی درون شهر است.

• طرح راهبردی جده

طرح راهبردی جده تحت نظارت مستقیم شهردار این شهر و در ۱۳ بخش ارائه شده است (Municipality of Jeddah, 2009). علاوه بر پرداختن به موضوع کناره ساحلی دریا، که طرح راهبردی جده شهرداری این شهر را ملزم به تهیه طرحی جداگانه با نام «طرح جامع مدیریت کناره دریا» می‌کند و باید در آن اجزای محدوده‌های حوزه مدیریتی، عناصر کالبدی منظر، خصوصیات طبیعی، فرایندهای حیاتی بوم‌شناختی، نیازها و ترجیحات انسانی و نیازهای توسعه‌ای بخش صنعت و کسب‌وکارهای قرار گرفته در محدوده طرح

اصلی این فصل آمده است و موضوعاتی از قبیل «مشارکت عمومی و خصوصی»، «قابلیت دسترسی به فضاهای عمومی و عرصه‌های اجتماعی در ساحل»، «ایجاد امکانات متنوع و قابلیت‌های گوناگون برای همه اقشار بازدیدکننده»، «مدیریت یکپارچه و نگهداری جامع» و «فراهم آوردن امکانات و خدمات برای شهروندان و بازدیدکنندگان» را پوشش می‌دهد. در جمع‌بندی بحث و رجوع به مبانی نظری پژوهش می‌توان به تصویر ۵ رسید. اگر نقش عناصر منظر یا اهداف سه‌گانه منظر را در طرح‌های بالادستی سه نقش فرهنگی یا هویتی، عملکردی و زیبایی‌شناسانه بدانیم، رویکرد طرح جامع تهران و نمونه‌های خارجی مطالعه‌شده بدین ترتیب خواهد بود. هرچند مقیاس طرح جامع تهران بزرگ‌تر از سایر اسناد مطالعه‌شده است و باید از جامعیت بیشتری برخوردار باشد، اما نگاه این طرح به مهم‌ترین لبه‌های طبیعی شهر به عنوان عناصری از منظر شهر تهران محدود به ابعاد عملکردی و در موضوعی فرهنگی است.

را با جزئیات تدوین کند، در بخش‌های دیگر این سند نیز به این لبه طبیعی اصلی شهر پرداخته شده است: در بخش محیط زیست و خدمات شهری ساحل به عنوان یکی از نواحی حساس در موضوع جمع‌آوری زباله و حفظ کیفیت محیطی مطرح شده است. در فصلی که به موضوع گردشگری پرداخته شده، لبه طبیعی ساحل به عنوان یکی از جاذبه‌های گردشگری معرفی شده است. در فصلی که به‌طور خاص به کناره ساحلی دریا پرداخته شده است، سه موضوع اصلی در حوزه «مدیریت یکپارچه آب‌خیزداری»، «حفاظت و ارتقای کیفی» و «دسترسی‌های عمومی و تفریح» مورد مطالعه قرار گرفته است. فصل «فضای باز و اوقات فراغت» نیز یکی دیگر از جلدهای این سند است که به تفصیل به موضوع لبه طبیعی پرداخته است. توجه به فضاهای باز کناره ساحل و نقش آنها در پرکردن اوقات فراغت شهروندان موضوع این بخش است که در پنج سیاست

اهداف سه‌گانه منظر	طرح جامع تهران	طرح راهبردی جده	طرح مدیریت دیدهای لندن	سند منظر کیوتو
فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> * حفاظت و ساماندهی میراث طبیعی * ساماندهی محورها و مراکز شهری 	<ul style="list-style-type: none"> * مشارکت مردمی * گردشگری * دسترسی‌های عمومی و تفریحی * فضای باز و اوقات فراغت 	<ul style="list-style-type: none"> * نماینده پایتخت * ساختمان‌های نمادین 	<ul style="list-style-type: none"> * مشارکت و هویت جمعی * ذهنیت شهروندان
عملکردی	<ul style="list-style-type: none"> * ساماندهی کوهسارها * ساماندهی پهنه‌های تفریحی 	<ul style="list-style-type: none"> * نیازهای توسعه‌ای * خدمات شهری * آب‌خیزداری * ترجیحات انسانی * خصوصیات طبیعی * بوم‌شناختی 		<ul style="list-style-type: none"> * اصلاح زمین * توسعه جمعیتی
زیبایی‌شناسانه	<ul style="list-style-type: none"> * توسعه فضای سبز 	<ul style="list-style-type: none"> * عناصر کالبدی * کیفیت محیطی 	<ul style="list-style-type: none"> * دسته‌بندی دیدها و مناظر * جلوگیری از اقدامات مزاحم * تقسیم بندی چشم‌انداز 	<ul style="list-style-type: none"> * چشم‌انداز طبیعی * خط آسمان شهر

تصویر ۵. مقایسه تطبیقی جایگاه لبه‌های طبیعی شهر در طرح جامع تهران با تجارب جهانی بر اساس مبانی منظر. مأخذ: نگارندگان.

نتیجه گیری

جایگاه روددره‌های شهر تهران در طرح جامع تهران، در ابعاد فرهنگی و زیبایی‌شناسانه روددره‌های شهر تهران در منظر شهری در سطح کلان بسیار ضعیف است. مباحثی مانند مشارکت عمومی، گردشگری، توجه به ذهنیت شهروندان و موضوعات هویتی و نمادین هیچ جایگاهی در پرداختن طرح جامع تهران به لبه‌های طبیعی ندارد. در میان مباحث زیبایی‌شناسانه نیز عدم توجه به روددره‌ها به عنوان کربدورهای دید و چشم‌اندازهای مربوط به آنها، که خود پشتیبان بُعد هویتی و فرهنگی آنها هم هستند، و نیز کیفیات محیطی، بصری و کالبدی در مقایسه با طرح‌های جهانی مطالعه‌شده بسیار مشهود است. در این میان تنها پرداختن به موضوعات عملکردی، مانند ساماندهی محورها یا توسعه فضای سبز و البته پهنه‌های تفریحی و گردشگری که می‌تواند تا اندازه‌ای بار فرهنگی نیز داشته باشد، مشاهده می‌شود. هر چند سطحی یا حداقلی بودن این موضوع در سطح عملیاتی نیز مشهود است. بررسی سلسله‌مراتبی نقشه سازمان فضایی و پهنه‌بندی طرح جامع بیانگر نگاه شعاری این طرح به روددره‌ها به عنوان پهنه‌های گسترده و فراخ سبز در سازمان فضایی است. این جایگاه هر چند امروزه و با وسعت نگاه در تعریف از منظر شهری ناقص به نظر می‌آید اما رجوع به مبانی اندیشه‌ای طرح‌هایی اینچنینی در دوران مدرن روشن می‌کند که آن نوع بینش به جهان، شهر و طبیعت نتیجه‌ای جز نگاه کالبدی، ابزاری یا عملکردی نداشته و نسبت به هر مؤلفه‌ای خارج از نگاه ماده‌گرای مدرن غفلت می‌ورزد. روددره‌های تهران به عنوان لبه‌های طبیعی شهر نیز در طرح جامع این شهر مصون از این نگاه و برخورد قهری نبوده‌اند.

فهرست منابع

- آل‌هاشمی، آیدا. (۱۳۹۳). دالان دید، عنصر هویت‌بخش منظر، مدیریت دالان‌های دید. منظر، ۶(۲۸)، ۶۸-۷۳.
- آل‌هاشمی، آیدا؛ باقری، یوسف و اخوان، عرفان. (۱۳۹۴). هویت طبیعی یا تحمیلی، بوستان جوانمردان، منظره‌سازی در دره کن. منظر، ۷(۳۱)، ۹۴-۱۰۲.
- پارسی‌پور، حسن و ضیاء توانا، محمدحسن. (۱۳۹۲). پست‌مدرنیسم و شهر با تأکید بر الگوها و طرح‌های برنامه‌ریزی شهری. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۴(۱۳)، ۵۷-۷۶.
- پژوهان، موسی؛ الباس‌زاده مقدم، نصرالدین و فتحی، سمیه. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی نظام‌های کاربری زمین شهری از دیدگاه دو پارادایم مدرنیسم و پست‌مدرنیسم. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۵(۱۷-۳۶).
- حبیبی اردبیلی، نیوشا؛ مثنوی، محمدرضا و ملک‌محمدی، بهرام. (۱۳۹۶). تدوین استراتژی‌های ساماندهی و طراحی اکولوژیک رودخانه‌های درون‌شهری با تأکید بر کنترل سیلاب، مطالعه موردی:

- روددره زیارت گرگان. محیط‌شناسی، ۴(۴۳)، ۶۰۹-۶۲۹.
- رستگاری، زهرا. (۱۳۸۹). دزفول ساحل دارد؛ بررسی ظرفیت‌های منظرین رود دز. منظر، ۹(۹)، ۵۶-۵۷.
- زمانی، بهادر و شمس، سارا. (۱۳۹۳). ضرورت اتخاذ رویکرد محله-مبنا در احیای بافت‌های تاریخی شهرها. هفت‌شهر، ۴۵(۴۶)، ۷۵-۹۳.
- زندی، مرجانه. (۱۳۹۳). رفتارهای شهری، نقاط گسست در منظر فرهنگی تهران. منظر، ۶(۲۸)، ۱۸-۲۲.
- زندی، مرجانه. (۱۳۹۴). نقش باغ درون‌شهری در شکل‌گیری قرارگاه‌های رفتاری، نمونه موردی: شهر تهران. باغ نظر، ۱۲(۳۳)، ۱۱۷-۱۲۸.
- شورای عالی معماری و شهرسازی ایران. (۱۳۸۶). سند اصلی طرح راهبردی-ساختاری توسعه و عمران شهر تهران (طرح جامع تهران).
- عبدالله‌خان گرجی، بهرام. (۱۳۸۵). سیمای شهری: بعد رهاشده سیاست‌های شهری در ایران. آبادی، ۵۳(۶-۱۹).
- عسکرزاده، زهرا و شکوهی بیدهندی، محمدصالح. (۱۳۹۵). تحلیل اثرات انطباق لبه‌های شهری با عوارض طبیعی ساحلی در شهرهای هند. هنر و تمدن شرق، ۴(۱۳)، ۳۳-۴۱.
- قوام‌پور، انسیه. (۱۳۹۲). جایگاه عناصر طبیعی در هویت شهرهای ایرانی. قابل دسترسی در www.zibasazi.ir
- کریمی مشاور، مهرداد. (۱۳۹۲). رودهای تهران؛ توان روددره‌ها در توسعه شهر. منظر، ۵(۲۲)، ۵۲-۵۵.
- کریمی مشاور، مهرداد؛ سجادزاده، حسن و وحدت، سلمان. (۱۳۹۳). سنجش اولویت‌های خوانش منظر فضاهای شهری از دیدگاه شهروندان، نمونه موردی: میدان‌های شهری همدان. باغ نظر، ۱۲(۳۷)، ۳-۱۴.
- کریمی مشاور، مهرداد؛ منصور، سیدامیر و ادیبی، علی‌اصغر. (۱۳۸۹). رابطه چگونگی قرارگیری ساختمان‌های بلندمرتبه و منظر شهری. باغ نظر، ۷(۱۳)، ۸۹-۹۹.
- کوخایی، طاهره و مثنوی، محمدرضا. (۱۳۹۳). طراحی محیطی زیرساخت‌های اکولوژیک منظر شهری با استفاده از اصل پیوستگی با انشعابات (AWOP) به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهری، مطالعه موردی: منطقه دو شهرداری تهران. محیط‌شناسی، ۴۰(۳)، ۵۵۹-۵۷۲.
- لینچ، کوین. (۱۳۷۶). تئوری شکل خوب شهر (ترجمه سیدحسین بحرینی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمودی، امیرسعید. (۱۳۸۵). منظر شهری، مروری بر چند نظریه. آبادی، ۱۸(۵۳)، ۶۱-۵۴.
- مدنی‌پور، علی. (۱۳۸۱). تهران ظهور یک کلانشهر. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- ملکی، سعید و سعیدی، جعفر. (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل نقش طبیعت در ساختار معماری و شهرسازی اسلامی. چشم‌انداز زاگرس، ۷(۲۵)، ۲۳-۴۹.
- منصور، سیدامیر. (۱۳۸۷). جزوه درس دوره کارشناسی ارشد معماری منظر. دانشگاه تهران.
- مهندسین مشاور بوم‌سازگان. (۱۳۸۵). سند اصلی طرح جامع شهر تهران. تهران: نهاد مطالعات و تهیه طرح‌های توسعه شهری تهران.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۷۸). رابطه هویت سنت معماری ایران با مدرنیسم و نوگرایی. هنرهای زیبا، ۷(۷)، ۷۹-۹۱.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۵). معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری). اصفهان: انتشارات راهیان.
- یاراحمدی، سمانه. (۱۳۸۹). لبه‌های شهری، بررسی نقش لبه‌ها در

- Cook, E. A. & Vanlier, H. N. (eds.). (1994). *Landscape Planning and Ecological Networks*. Amsterdam: Elsevier.
- Greater London Authority. (2010). *London View Management Framework, Revised Supplementary Planning Guidance*.
- Kadokawa, D. (2010). *Landscape of Kyoto*.
- Municipality of Jeddah. (2009). *Jeddah Strategic Plan*.

- تحقق اهداف منظر. منظر، ۲(۱۱)، ۳۰-۳۷.
- یوسفی نجفآبادی، مریم. (۱۳۹۵). معیارهای ارزیابی طرحهای احیای فضاهای طبیعی درون شهری. *شهرسازی و معماری هفت شهر*، ۵۵-۵۶، ۷۴-۸۶.
 - Bestelii, I. & Doevendans, K. (2002). Planning, Design and the Post-Modernity of Cities. *Journal of Design Studies*, 23(3), 233-244.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

زهرایی پور، نسیم و رضا جعفرپور، رضا. (۱۴۰۰). جایگاه رودخانه‌های تهران به عنوان مهم‌ترین لبه‌های طبیعی شهر در سند بالادستی (طرح جامع) شهر. *باغ نظر*، ۱۸(۹۷)، ۵-۱۶.

DOI: 10.22034/bagh.2020.195110.4234
http://www.bagh-sj.com/article_130951.html

